

مقاله پژوهشی: تبیین لزوم بازنگری در تقسیمات سیاسی در راستای پیشگیری از بحران‌های مدیریت انتظامی با تأکید بر قابلیت‌های ژئوپلیتیکی (مطالعه موردی: استان خوزستان)

حمیدرضا محمدشاهی، محمد اخباری، علی بیژنی^۳

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۲/۱۵

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۵/۱۹

چکیده

تقسیمات سیاسی کشوری از مسائلی است که کشورها جهت برنامه‌ریزی‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و اداری بهتر به آن توجه می‌کنند. اگرچه تقسیمات سیاسی به‌منظور کاهش تمرکززدایی صورت می‌گیرد، اما باید در راستای اهداف امنیت ملی گام بردارد. استان خوزستان طی دهه‌های اخیر یکی از پرچالش‌ترین استان‌های کشور از نظر امنیتی، محیط زیستی و اقتصادی بوده و به نظر می‌رسد که تقسیمات کشوری ممکن است در کاهش مشکلات استان مثمر واقع شود. از این رو پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و کاربردی به تبیین لزوم بازنگری در تقسیمات سیاسی استان خوزستان در راستای پیشگیری از بحران‌های مدیریت انتظامی می‌پردازد. هدف پژوهش ارزیابی مهم‌ترین دلایل لزوم تقسیمات سیاسی با استفاده از الگوی تحلیل راهبردی سوات و تأثیرات آن در پیشگیری از بحران‌های مدیریت انتظامی استان خوزستان است. نتایج نشان داد راهبرد لزوم بازنگری در تقسیمات سیاسی استان خوزستان (تشکیل دو استان خوزستان شمالی و جنوبی) می‌تواند در کاهش مشکلات استان مثمر بوده و فرصت‌های بسیار زیادی را در سطح محلی، ملی و منطقه‌ای برای این استان و منطقه غرب کشور فراهم آورد.

کلید واژه‌ها: تقسیمات سیاسی، بازنگری، بحران‌های مدیریت انتظامی، استان خوزستان.

۱. گروه جغرافیا، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. گروه جغرافیا، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) رایانامه -

dr.m.akhbari@gmail.com

۳. گروه جغرافیا، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

در حال حاضر در سطح کشورهای جهان، تک عامله بودن قانون تقسیمات کشوری، از جمله عوامل مؤثر بر بروز بحران‌های منطقه‌ای و بین‌المللی است. در ایران به دلیل پراکندگی نامتوازن جمعیت (به علت ویژگی‌های طبیعی) و توجه صرف به آن در قانون تقسیمات کشوری، استان‌های شرقی - مرکزی و جنوبی وسعت زیادی پیدا کرده‌اند. در قانون تقسیمات کشوری مصوب سال ۱۳۱۶ ش، مبنای واحدسازی اغلب تک‌معیاری و بر پایه تعداد جمعیت در نظر گرفته شده است؛ درحالی‌که آنچه تقسیم می‌شود، فضا است که جمعیت یکی از عناصر محتوایی آن است.

بدیهی است در این الگوی ترکیبی، باید به معیارها و عوامل توپوگرافیک، وسعت فضا، دسترسی، پراکندگی سکونت‌گاه‌ها، جمعیت، همسایگی، بنیادهای زیستی، ساختارهای اقتصادی و اجتماعی و درجه تجانس آن‌ها، ساختار اقلیمی، ساختار فرهنگی - قومی و ... توجه کرد تا امکان دستیابی به الگوی متوازن‌تر تقسیمات فضا فراهم آید (حافظ‌نیا، ۱۳۸۱: ۳۹۷). در واقع آنچه بایستی در قانون تقسیمات کشوری مورد توجه قرار گیرد، این است که آنچه قرار است تقسیم شود فضای جغرافیایی است نه جمعیت کشور. علاوه بر این به نظر می‌رسد ویژگی‌های فضای جغرافیایی کشور به گونه‌ای است که در برخی از مناطق کشور باید پراکندگی و تراکم کم جمعیت مناطق شرقی و مرکزی و ویژگی‌های فضایی حاکم بر این مناطق مبنایی برای تقسیم فضای سرزمین قرار بگیرد نه افزایش جمعیت و رسیدن به یک سقف جمعیتی مشخص (Hafeznia, LECTURE, 2014). همچنین تصمیم‌گیری‌های مرتبط با فضای جغرافیایی هر کشوری می‌تواند از بُعد امنیت داخلی، بسیار تأثیرگذار باشد. تصمیم‌های نادرست از آن جهت که ممکن است همگرایی ملی را کاهش دهند و یا به واگرایی‌ها در مناطق مختلف منجر شوند، در امنیت ملی مورد توجه واقع شده‌اند. آثار و پیامدهای این نوع تصمیم‌ها مانند ایجاد قطب‌های رقیب در یک منطقه، خشونت و آشوب‌های اعتراض‌آمیز، تقاضای فزاینده برای استفاده بیشتر از منابع، کاهش مشارکت‌های مردمی در امور محلی، تشدید همگرایی افراطی قومی و مذهبی و ... می‌توانند به‌نوعی

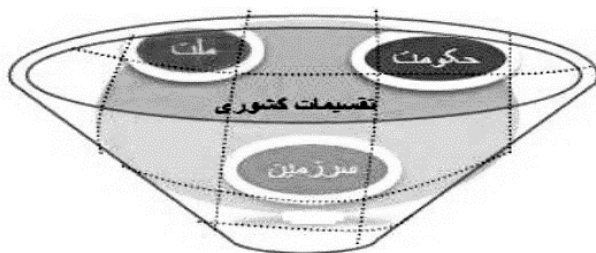
پیامدهای امنیتی برای کشور در سطح داخلی داشته باشند و حتی در سیاست‌های خارجی نیز مؤثر واقع شوند (اخباری و یداللهی، ۱۳۸۴: ۲۸).

در حال حاضر در ایران بر اساس تقسیمات کشوری، ۳۱ استان وجود دارد. در این میان یکی از بحرانی‌ترین استان‌های کشور، استان خوزستان می‌باشد که امروزه با انواع مشکلات محیط زیستی، مدیریتی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مشکلات دموگرافیک و مشکلات امنیتی مواجه است. یکی از مهم‌ترین علل افزایش مشکلات در استان خوزستان و عدم مدیریت صحیح آن، بحث وسعت سرزمینی و شکل استان خوزستان است. بر اساس نظریه دکتر حافظ‌نیا، همواره واحدهای تقسیماتی درون‌کشوری کارکردهای سیاسی دارند. در حوزه عمل سیاسی، این واحدها دارای کارکردهایی هستند؛ از جمله کارکرد مدیریتی و سازمان‌دهی امور مربوط به سرزمین و مردم، کارکرد فرمانروایی و اعمال دیدگاه‌ها و ارزش‌های نظام سیاسی، کارکردهای امنیتی، حقوقی و قضایی، کارکردهای انتخاباتی اعم از محلی و ملی، کارکردهای سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری و کارکردهای بین‌المللی و فراملی در چارچوب معیارها و سیاست‌های دولت ملی می‌باشند. در واقع این چنین به نظر می‌رسد که افزایش مشکلات استان خوزستان در دهه‌های اخیر، امروزه سرزمین ایران را با چالش‌های جدی در قالب امنیت منطقه‌ای و امنیت ملی مواجه کرده است. شهر دزفول در حال حاضر که یکی از پرجمعیت‌ترین شهرهای استان خوزستان و کشور را تشکیل می‌دهد، بر اساس آمار ۱۳۹۵ رتبه ۳۰ را در میان شهرهای پرجمعیت ایران اخذ کرده است. این به آن معنا است که شهر دزفول در رتبه‌بندی جمعیتی، بالاتر از مراکز پنج استان است. بر این اساس، موضوع حاضر، پژوهشگر را بر آن داشت تا با بررسی شهرهای پرجمعیت ایران و میزان فاصله آن از مراکز استان و معادلات حوزه نفوذ و نحوه تقسیم‌بندی عدالت فضایی در جغرافیای سرزمین و نیز مسئله چالش‌های قومیتی در سطح استان خوزستان، به بررسی تقسیمات فضای سیاسی - جغرافیایی استان خوزستان در قالب عدالت فضایی و ظرفیت تفکیک آن به دو استان بپردازد. در این زمینه پژوهش حاضر نیز به بررسی تبیین تأثیرات عدالت فضایی در پیشگیری از بحران‌های مدیریت انتظامی با تأکید بر قابلیت‌های ژئوپلیتیکی استان خوزستان می‌پردازد. بر این اساس در تحقیق حاضر پرسش اصلی این

مسئله است که مهم‌ترین عوامل مؤثر بر لزوم تقسیمات سیاسی در استان خوزستان چیست؟ و تقسیمات سیاسی استان خوزستان تا چه اندازه در پیشگیری از بحران‌های مدیریت انتظامی استان خوزستان تأثیرگذار خواهد بود؟

مبانی نظری و پیشینه‌شناسی تحقیق

هدف از تقسیمات کشوری که مورد توجه تمام نظام‌های سیاسی می‌باشد، تسهیل در ارائه خدمات و امکانات برای مناطق مختلف یک کشور و همچنین تسهیل حاکمیت دولت تا پایین‌ترین سطح سیاسی در کشور است (Ahmadipur, 2006). توسعه و ارتقای سطح کارکردهای یک واحد تقسیماتی تا اندازه زیادی به نحوه سازمان‌دهی سیاسی فضا و آرایش بهینه قلمرو سرزمینی کشور بستگی دارد. بر همین اساس حکومت‌ها در ادوار تاریخی گذشته و در حال حاضر، به تقسیم فضای سرزمین خود پرداخته و سازمان مناسبی را برای اداره امور آن تدارک دیده‌اند (Hafeznia, ۲۰۰۲).



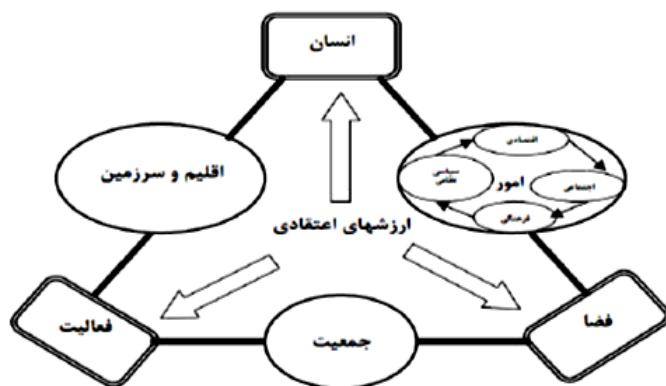
کشور (state)

شکل ۱- نظام تقسیمات کشوری پیونددهنده سه عامل اصلی تشکیل‌دهنده کشور

(سرزمین، ملت، حکومت) (Ahmadipur, 24: 2006)

بنابراین می‌توان گفت که تقسیمات کشوری از اساسی‌ترین مسائلی است که برای هرگونه برنامه‌ریزی در سطح کشور به‌طور اعم و برنامه‌ریزی ناحیه‌ای در سطح واحدها به‌طور اخص در جهت اداره بهتر و بهره‌برداری بیشتر از استعدادها صورت می‌گیرد. یکی از ابعاد مهم برنامه‌ریزی جامع توسعه ملی، برنامه‌ریزی آمایش سرزمین یا برنامه‌ریزی فضایی می‌باشد. برنامه‌ریزی آمایش سرزمین عبارت است از: فرآیند بهره‌برداری عقلایی از

امکانات، منابع و استعداد‌های مناطق مختلف سرزمین یک کشور؛ به عبارت دیگر، برنامه‌ریزی آمایش سرزمین به منظور بهره‌برداری منطقی از منابع و استقرار مطلوب جمعیت، امکانات و فعالیت‌ها در فضای ملی صورت می‌گیرد (Mirmohamadi, ۲۰۰۷). آمایش سرزمین طراحی فضا با تکیه بر توان‌های محیطی به منظور ایجاد محیطی سالم و مطلوب برای انسان است (Sorur, 2005). آمایش، تکنیک ارتقاء و توسعه در چارچوب تقسیمات کم و بیش طبیعی یا سیاسی سرزمین است.



شکل ۲- آمایش سرزمین: تنظیم رابطه انسان، فضا و فعالیت‌های انسان در فضا (Sorur, 2005)

مدیریت بحران، به مجموعه‌ای از فعالیت‌ها، چاره‌جویی‌ها و دستورالعمل‌هایی اطلاق می‌شود که مدیریت یک سازمان در چالش با بحران انجام می‌دهد و هدف آن کاهش روند، کنترل و رفع بحران است. به‌طورکلی، مدیریت بحران به معنای سوق دادن هدفمند جریان پیشرفت امور به روالی قابل کنترل و انتظار بازگشت امور در آسرع وقت به شرایط قبل از بحران است.

مدیریت بحران مجموعه‌ای از چاره‌جویی‌ها و تصمیماتی است که در مقابله با بحران انجام می‌گیرد و هدف آن کاهش روند بحران، کنترل بحران و کاهش و رفع بحران است. مدیریت بحران شامل برنامه‌ها، ایجاد ساختارها و تدوین مقرراتی است که منجر به کمک و یاری‌رسانی به دولت و سازمان‌های غیردولتی در برخورد با حوادث می‌شود.

داشتن بینش بحران‌محور، به توانایی فکر کردن در مورد سناریوی بدترین حالت‌های قابل وقوع و در عین حال ارائه راه‌حل‌های بی‌شمار نیاز دارد. از آنجایی که اولین روش، ممکن است جوابگو نباشد، سعی و خطا یک روش پذیرفته شده است. لازم است که همیشه طرح مقابله با تهدیدهای احتمالی موجود بوده و هوشیار بود. سازمان‌ها و افراد باید دارای یک برنامه پاسخ سریع برای مواقع اضطراری بوده و با مانور و تمرین، آمادگی کافی داشته باشند و همچنین پیشگیری در لغت به معنای جلوگیری کردن، مانع شدن، مانع سرایت شدن و پیش‌بندی کردن آمده است (معین، ۱۳۶۳: ۹۳۳). پیشگیری یک مفهوم کلی است و به مجموعه اقدام‌هایی گفته می‌شود که برای پیشگیری و جلوگیری از فعل و انفعالات زیان‌آور محتمل بر فرد و گروه به عمل می‌آید؛ مانند پیشگیری از حوادث کار، پیشگیری از بزهکاری نوجوانان، جوانان و پیشگیری از تصادفات در جاده‌ها و... (نجفی ابرندی، ۱۳۷۸). حوزه نفوذ در بررسی مدیریت بهینه شهرها در سازمان‌دهی سیاسی فضا مؤثر است. پیشینه و مطالعات در مورد شهرها و حوزه‌های نفوذ آن‌ها در ایران قابل توجه است. جغرافیدانان در مطالعه سازمان فضایی، روی سه عامل مکان مرکزی، پیوندها و حوزه نفوذ تأکید دارند. در واقع، سازمان فضایی هر منطقه دربردارنده اجزا و عناصر مختلفی است که سه عنصر اساسی آن، مرکز یا منطقه میانی، حاشیه یا منطقه پیرامونی و رابطه آن‌ها یا کنش متقابل است (Saraei, ۲۰۱۲). شهرها با یکدیگر ارتباط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دارند. مطالعه شهر و حوزه نفوذ آن در تقسیمات سیاسی نقشی اساسی خواهد داشت. با توجه به بررسی حوزه نفوذ و وجود ظرفیت‌های موجود در منطقه دزفول و شهرهای مجاور، با در نظر گرفتن معادله حوزه نفوذ، به این نتیجه خواهیم رسید که در شرایط فعلی با ۳۱ مرکز استان، در صورت تأسیس استان جدید، منطقه دزفول اولویت بالایی را خواهد داشت. حوزه نفوذ یک شهر عبارت از ناحیه‌ای است که یک مکان مرکزی قادر است مصرف‌کنندگان را از نواحی به‌سوی خود کشیده، کالا و خدمات تولید و عرضه شده در مکان مرکزی را در گستره نواحی توزیع کند (Azimi, 2005). وجود احساس نزدیکی و پذیرش اجتماعی، یکی از مطمئن‌ترین راه‌های نیل به همبستگی و وفاق اجتماعی به شمار می‌آید. قومیت یا گروه قومی گروهی از انسان‌ها است که اعضای آن دارای ویژگی‌های بنیادی و اصل و نسبی یکسان یا مشترک هستند (آشوری، ۱۳۹۷). همچنین

گروه‌های قومی اغلب دارای مشترکات فرهنگی، زبانی، رفتاری و مذهبی هستند که ممکن است به آبا و اجدادشان برگردد یا بر اساس عوامل دیگری به وجود آمده باشد، بنابراین یک گروه قومی می‌تواند یک جامعه فرهنگی نیز باشد. لزوم توجه به تنوع اقوام: ایران، کشوری چندفرهنگی است و تنوع قومی و زبانی، یکی از ویژگی‌های شاخص آن است. الگوی مردم در ایران، ترکیبی و نامتوازن است؛ به این صورت که بخش بزرگی از مردم که در یک یا چند ویژگی و خصیصه ترکیبی مشترک اکثریت دارند، هیئت کلی جمعیت ایران را تشکیل و بخش کوچک‌تری از مردم نیز به علت دارا بودن یک یا چند ویژگی با بخش اکثریت ملت تجانس کامل ندارند و در جایگاه اقلیت، اجزا و پاره‌های کوچک‌تر ملت ایران قلمداد می‌شوند. تحولات تاریخی و سیاسی جغرافیای سیاسی ایران همواره با توجه به کارکرد چندوجهی اقوام در سیر معادلات قدرت، تحلیل و ارزیابی می‌گردد، به‌طوری‌که تصویر موزاییکی اقوام در این جغرافیای سیاسی طی تاریخ چرخه‌ای از فرصت، تهدید را در مقابل منافع ملی ایران نمایش می‌دهد که در این میان، این سؤال اساسی را ایجاد می‌کند که با استفاده از کدام راهکارها می‌توان تهدیدات ناشی از تنوع قومیت‌ها را در ایران به فرصت تبدیل نمود؟ به اعتقاد صاحب‌نظران جغرافیای سیاسی، جایگاه اقوام در الگوی ترکیبی جمعیت در ایران را می‌توان از دو بُعد جامعه‌شناختی (براساس شاخصه‌هایی چون قومیت، دین، مذهب، ملیت و طبقه اجتماعی) و فضایی - جغرافیایی مطالعه و بررسی کرد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۱: ۱۸۰-۱۴۶). در این میان قلمرو عرب‌نشین ایران در جنوب غربی کشور نیز با منطقه وسیع عربی که سراسر غرب آسیا، شبه‌جزیره عربستان و شمال آفریقا را فرا می‌گیرد، ارتباط فضایی - جغرافیایی دارد و گاهی رقبای ژئوپلیتیک ایران در منطقه عربی از این مسئله و ضعف توجه به اقوام عرب ایران، بهره‌برداری سیاسی و تبلیغاتی می‌کنند.

۱. ساختار فضایی - جغرافیایی ملت ایران از دو بخش به هم پیوسته مرکزی و حاشیه‌ای پدید آمده است. بخش مرکزی نسبت به حاشیه، فضای گسترده‌تری از جغرافیای ایران را اشغال کرده و میان اجزای آن پیوند و تجانس نسبی برقرار است، اما برخلاف بخش متراکم و متجانس مرکزی، بخش حاشیه‌ای، به گسختگی و غیرمتجانس بودن دچار است و مجموعه‌ای متنوع از گروه‌های فرهنگی و قومی را در برمی‌گیرد. نواحی استقرار این اقوام، به جز ناحیه آذری‌نشین و کردنشین، فاقد پیوستگی فضایی - جغرافیایی با مناطق مرکزی است (حافظ‌نیا، ۱۳۸۱: ۱۵۰).

جایگاه امنیت در ساختار فضایی - جغرافیایی ایران: طی تاریخ ایران اغلب هرکدام از بخش‌های مرکزی و حاشیه‌ای رفتار خاص خود را پیشه کرده، ولی در عین حال هر دو بخش، در قالب یک کلیت بزرگ‌تر در صحنه سیاسی ظاهر شده‌اند، به طوری که در واقعیت دولت حاکم بر سرزمین ایران استمرار یافته است. به عنوان مثال، پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نقش و اهمیت احساس تعلق به ایران و هویت کلان‌تر ایرانی حتی در میان گروه‌های سیاسی محلی یا سرشاخه‌های محلی گروه‌های ملی که بعضی از آن‌ها معارض دولت مرکزی و جمهوری اسلامی بودند، ملموس بود و موضوع تعلق به ملت ایران در بیانیه‌های این گروه‌ها مطرح می‌شد (محمدی، ۱۳۷۷: ۲۶۲-۲۵۹) به طور مثال در تهاجم عراق به منطقه خوزستان در سال ۱۳۵۹ که با شعار امت عربی و تبلیغات تفرقه‌افکنانه قومی نیز همراه بود، با وجود عرب‌نشین بودن بخش غربی استان خوزستان و نیز زمینه مساعد محلی به خاطر حضور نیروهای سیاسی خلق عرب، با مقاومت منطقه‌ای و محلی روبه‌رو شد، حتی آوارگان و مهاجران عرب به جای پیوستن به عراق، به آن پشت کردند و به هم‌وطنان ایرانی خود در بخش مرکزی پناه آوردند.

تنوع قومی و تهدیدات امنیتی: موضوع تنوع در متن ژئوپلیتیک ایران، در عین حال که فرصت‌های توسعه کشور را فراهم می‌سازد، می‌تواند منبعی برای تهدید امنیت ملی کشور باشد. در این بخش منابع تهدید از سوی اقوام علیه امنیت ملی کشور در سه حوزه بررسی شده است:

۱. **مرزنشینی:** جایگاه جغرافیایی اقوام، معادله امنیت ملی را پیچیده‌تر کرده است. اقوام گوناگون و اقلیت‌های مذهبی در مهم‌ترین حوزه‌های راهبردی کشور و جداره‌های مرزی اسکان شده‌اند که عقبه آن‌ها در ورای مرزها و خارج از حوزه نفوذ و اثرگذاری حاکمیت ملی قرار دارد. از این منظر، به لحاظ ارتباط و پیوند این حوزه‌ها با خارج از مرزها، هرگونه بحران بیرونی به سادگی به داخل مرزها گسترش می‌یابد و امکان نظارت حاکمیت ملی بر حوزه‌ها به شدت کاهش پیدا می‌کند. از طرفی، تحولات مربوط به جهانی‌شدن، با طرح موضوعات فشرده‌گی زمان و مکان، مرزهای جغرافیای را درنوردیده است.

در وضع جدید، بخشی از اقوام کرد، ترک، بلوچ و عرب در ایران و بخشی از آن‌ها در مناطق هم‌جوار دیگر کشورها اسکان یافته‌اند. وجود این اقوام در همسایگی ایران، هرچند می‌تواند سبب نفوذ فرهنگی ایران شود اما در چرخه‌ای معیوب می‌تواند به مداخله بیگانگان در حوزه داخلی ایران منجر شود. معمولاً افکار و رفتار ناسیونالیستی و تجزیه‌طلبی از همین مناطق وارد می‌شود. برای نمونه می‌توان به محل استقرار گروه‌های تجزیه‌طلب، مثل جنبش خلق عرب در عراق اشاره کرد.

۲. مداخله بیگانگان: مسئله تنوع و تکثر قومی و مذهبی کشور زمانی که با اهداف استعماری بیگانگان همراه می‌شود، به منبعی برای تهدید امنیت ملی کشور تبدیل می‌گردد. لذا امکان ورود عوامل بیگانه به ساخت سیاسی کشور با ابزار ناهمگونی اقوام و اقلیت‌های قومی و مذهبی به‌سادگی انجام می‌شود.

۳. تراکم شکاف قومی - مذهبی و زبانی: تعارضات متنوع موجود میان گروه‌های قومی یا موازی شدن شکاف‌های قومی با شکاف‌های مذهبی و زبانی تأثیر به‌سزایی در میزان ثبات یا بی‌ثباتی کشور دارد. این تراکم شکاف‌های قومی - مذهبی ممکن است متقاطع یا متوازی باشد (بشیریه، ۱۳۸۶: ۱۰۳) و به بازتولید ناامنی و تهدیدزایی اقوام علیه امنیت ملی کشور منجر گردد، ضمن اینکه نیروی بالقوه تهدیدات ناشی از شکاف تراکم قومی در اکثر مناطق قومی‌نشین کشور با ترکیبی از تضادهای قومی، نژادی، زبانی و مذهبی همراه است که در صورت فعال شدن این تضادها و تراکم شکاف‌ها، ناامنی و بی‌ثباتی وسیعی امنیت کشور را تهدید خواهد کرد. لذا با توجه به تنوع گسترده اقوام در استان خوزستان، لزوم تدبیر مجدد در خصوص تقسیمات کشوری، سازمان‌دهی سیاسی فضا و آمایش سرزمین آن استان لازم است. ضروریات و اهمیت سازمان‌دهی سیاسی فضا و آمایش سرزمین: جهت بررسی و شناخت روابط و تأثیرات سازمان‌دهی سیاسی فضا و آمایش سرزمین، باید اصول، اهداف و ضرورت‌های هر یک از این دو مبحث را شناخت. در جدول زیر با مقایسه برخی از مهم‌ترین اصول و اهداف در مبحث سازمان‌دهی سیاسی فضا و آمایش درمی‌یابیم که در بسیاری از موارد اصول و اهداف سازمان‌دهی سیاسی فضا و آمایش سرزمین باهم مشترک بوده و اهداف مشترکی را دنبال می‌کنند.

جدول ۱- اصول، اهداف و ضرورت‌های سازمان‌دهی سیاسی فضا و آمایش سرزمین

اصول، اهداف و ضرورت‌های آمایش سرزمین	اصول، اهداف و ضرورت‌های سازمان‌دهی سیاسی فضا (تقسیمات کشوری)
ارتقای رفاه عامه مردم و پوشش کامل خدماتی با تعیین فواصل معقول از مراکز خدماتی	تسهیل خدمات‌رسانی و تأمین نیازهای سکنه مقیم در ناحیه سیاسی - جغرافیایی
عدالت‌بخشی به توزیع جمعیت و فعالیت متناسب با منابع، توان محیطی و ظرفیت تحمل زیست‌بوم‌ها، با تأکید بر ابعاد اجتماعی وظایف توسعه‌ای دولت	واگذاری امور محلی به مردم و نهادهای محلی و توسعه اقتدار آن‌ها در هر دو بُعد نهادهای مردمی و دولتی
گسترش تعامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی درون و بین منطقه‌ای در راستای تقویت همبستگی ملی	وحدت، وفاق و وفاداری ملی و یکپارچگی سیاسی- فضایی
ایجاد هماهنگی بین بخش‌ها و برنامه‌های مختلف اجتماعی- اقتصادی	یکپارچگی و وحدت سازمانی و اداری در تعامل بخشی دولتی و مردمی در یک نظام سلسله‌مراتب از سطح ملی تا سطح محلی
ایجاد تعادل فضایی در پهنه سرزمین	پویایی و نقش‌آفرینی نواحی و مناطق در الگوی کارکردهای سطح ملی و در چارچوب رقابت سازنده میان مناطق
تلفیق ویژگی‌های فرهنگی مناطق در فرآیند ملی- منطقه‌ای	تمرکز در سیاست‌گذاری‌های کلان و امور ملی و عدم تمرکز در سیاست‌ها و تصمیم‌گیری‌های مربوط به امور منطقه‌ای و محلی
ایجاد تعادل نسبی در توزیع و ترکیب جمعیت در سطح کشور با استفاده از ابزار استقرار فعالیت و زیرساخت‌ها و بهبود شرایط اقتصادی، اجتماعی و امنیتی	رضایتمندی سکنه فضای جغرافیایی از الگوی قالب‌گیری سیاسی- فضایی
تخصیصی کردن و دادن نقش‌های محوری به مناطق	مشارکت مردمی در تصمیم‌گیری‌های ملی و منطقه‌ای (انتخابات سطوح ملی، منطقه‌ای و محلی)
ایجاد زمینه برای رشد و توسعه کشور به مفهوم واقعی و استفاده از قابلیت‌های مختلف در تسریع و هدایت توسعه	دسترسی سریع و کم‌هزینه به مرکز خدمات با کانون ناحیه سیاسی در مقیاس مورد نظر
بهره‌برداری مناسب از قابلیت‌ها و ظرفیت‌های مناطق	تعامل سازنده میان نواحی و مناطق و مکمل بودن آن‌ها برای یکدیگر
تمرکززدایی به‌منظور کاهش نابرابری‌ها و ایجاد عدالت فضایی	ایجاد فرآیندهای توسعه منطقه‌ای و بارورسازی ظرفیت‌های درون‌منطقه‌ای
تحول بنیادی در ساختار بخش خدمات و افزایش سهم خدمات نوین و دانش‌پایه، با تأکید بر توسعه	کنترل سیاسی و اعمال نظریات و سیاست‌های دولت مرکزی و تحقق اهداف سطح ملی در فضاها منطقه‌ای و محلی
مکان‌یابی مهم‌ترین فضاها برای توسعه	شناخت ویژگی‌های عمومی و مشترک فضا و سرزمین

مأخذ: نگارنده

با مطالعه ضرورت‌ها و اهداف سازمان‌دهی سیاسی فضا و آمایش سرزمین مطلع می‌شویم که هر دوی این فرآیندها به دنبال اهداف مشترکی از طریق سازمان‌دهی فضا هستند که در یک نگاه کلی می‌توان گفت هدف عمده این فرآیندها ایجاد یک توسعه متوازن و هماهنگ در تمامی مناطق یک کشور به منظور ایجاد عدالت فضایی و کاهش نابرابری‌ها و در نهایت افزایش رفاه ساکنان مناطق است. سازمان‌دهی سیاسی فضا سعی در اداره بهینه فضا و ارائه خدمات از طریق تقسیم سرزمین به واحدهای کوچک‌تر را دارد و از طرف دیگر آمایش سرزمین، یک برنامه‌ریزی فضایی است که به دنبال توزیع بهینه فعالیت و جمعیت در پهنه سرزمین از طریق شناخت ظرفیت‌ها و امکانات هر منطقه و بارورسازی آن‌ها از طریق سازمان‌دهی و برنامه‌ریزی فضایی است؛ بنابراین می‌توان گفت که هر دو فرآیند، نوعی سازمان‌دهی سرزمین مبتنی بر شناخت تفاوت‌های فضایی می‌باشند. در این میان انتظام که از واژه نظم گرفته می‌شود، به معنای فعل چیدن و قرار دادن اجزاء در یک روش خاص است (کلهر، ۱۳۸۸: ۸۶). نظم، انتظام و امنیت لازم و ملزوم یکدیگر هستند.

جامعه بدون نظم و انتظام فاقد امنیت است و فقدان امنیت مصداقی برای بی‌نظمی است و مدیریت انتظامی به معنی مدیریت جامع در راستای عدم تهدید منافع حیاتی و ارزش‌های یک واحد سیاسی تلقی می‌گردد.

هرچند مناطق درونی یک کشور به لحاظ ویژگی‌های کالبدی سیاسی، امنیتی، جغرافیایی، اجتماعی و فرهنگی به طور مشابه نمی‌توانند مورد توجه واقع شوند؛ اما توجه به اصل رعایت تفاوت مکان‌ها و توجه به حقوق هر مکان و توجه به شرایط منطقه می‌تواند مانع از تشکیل کانون‌های بحران در نظام گردد. در واقع اگر این اصل در تقسیم سرزمین مورد توجه قرار نگیرد، تجانس و همگنی و اتحاد ملی در چارچوب فضای سرزمینی به دست نخواهد آمد و عمل متحدسازی مناطق در قالب یک فضای ملی بر مبنای مشترکات ملی محقق نخواهد شد. در بسیاری از مناطق، سازمان‌دهی سیاسی فضا باعث شکل‌گیری یک نوع الگوی فضایی خاص در منطقه می‌شود و شبکه به هم پیوسته کارکردی از فعالیت‌ها را در فضا شکل می‌دهد. این الگو سبب شکل‌گیری یک ساختار فضایی متناسب با خود و در نهایت آرایش پدیده‌ها در سطح زمین می‌شود. منطقه‌بندی سیاسی سرزمینی که بنیانی

برای سازمان‌دهی فضای سرزمینی است در جهت حفظ استقلال، یکپارچگی، تمامیت ارضی و ثبات سیاسی، مکانیزم مناسبی را طراحی می‌نماید و در جهت افزایش مشارکت مردم در مدیریت مناطق، چارچوبی را پی‌ریزی می‌کند. بهره‌برداری مطلوب و منطقی از منابع که از مهم‌ترین اهداف منطقه‌بندی سرزمین محسوب می‌شود؛ اگر با توزیع بهینه امکانات توأم و متناسب باشد، می‌تواند زمینه تحقق توسعه پایدار، کنترل راهبردی مستمر، حاکمیت و اعمال قانون را فراهم کند که در این فرآیند، نظام سازمان‌دهی سیاسی و تقسیمات سیاسی هر کشوری یک چارچوب و بستر و در واقع ساختاری جهت تهیه و اجرای برنامه‌های آمایشی را باید مورد توجه جدی قرار دهد (Ahmadipur: 2006).

از جمله شرایط و قابلیت‌های ژئوپلیتیکی بالقوه شهرستان دزفول به مرکزیت استان خوزستان شمالی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

شهرداری دزفول که همواره از کهن‌ترین شهرداری‌های کشور و نخستین شهرداری استان خوزستان و پنجمین شهرداری کشور به شمار می‌رود، در سال ۱۲۹۹ خورشیدی بنیان نهاده شده است. همچنین دزفول شهری در جنوب غربی ایران است که با مساحت ۴۷۶۲ کیلومتر مربع، سی‌امین شهر پرجمعیت کشور محسوب می‌شود و در کنار رودخانه دز، در بخش‌های جلگه‌ای استان خوزستان واقع شده است (دانشنامه ایرانیکا) که پیشینه آن به چندین هزار سال می‌رسد. از کهن‌ترین شهرهای استان خوزستان به شمار می‌رود و از دید تاریخ و فرهنگ، ویژگی‌های برجسته‌ای دارد. از نظر آثار گردشگری، مناطق دزفول را می‌توان به سه دسته جاذبه‌های طبیعی، تاریخی و مذهبی تقسیم‌بندی کرد که در این میان، می‌توان به تپه‌های باستانی چغامیش با دیرینه‌ای نزدیک به ۴۰۰۰ سال پیش از زایش مسیح اشاره کرد که به گفته باستان‌شناسان، گنجینه ارزشمندی از دانستنی‌های سودمند پیرامون رخدادهای زمان باستان از هزاره هفتم پیش از زایش تا شکوفایی تمدن شوش را دربردارند (دانشنامه ایرانیکا). در ایام نوروز بیشترین بازدیدها از آبشار شوی یکی از بزرگ‌ترین زیباترین آبشارهای ایران در رشته‌کوه‌های زاگرس و در منطقه سردشت از توابع دزفول انجام می‌گیرد، همچنین دزفول دارای مراکز تفریحی متعدد به این شرح است، تفریحگاه ساحلی دز، شهربازی بعثت، باغ پرندگان، پارک دولت، پارک خانواده و

ابزارهای دست‌ساز چوبی از سازه‌های دستی شهرستان دزفول به شمار می‌آیند. قلم نی دزفول یکی از کالاهای مهم تجاری است که از سیصد سال قبل در دزفول کشت می‌شود و به‌عنوان مرغوب‌ترین قلم نی در سطح ملی و جهانی شناخته می‌شود. دزفول یکی از قطب‌های مهم کشاورزی ایران است. خاک حاصلخیز و آب کافی شرایط مناسبی را برای کشت مرکبات، صیفی‌جات و گل و گیاه فراهم کرده است. مرکبات دزفول به‌خصوص پرتقال از سالم‌ترین و مرغوب‌ترین نوع مرکبات کشور محسوب می‌شوند. دزفول از نظر تولید گل‌های رز و مریم در کشور بالاترین رتبه را دارا است. بخش عمده‌ای از تولیدات گل دزفول به خارج از کشور صادر می‌شوند. در مورد سطح دانش عالی در شهرستان دزفول می‌توان به دانشگاه‌های صنعتی جندی‌شاپور، دانشگاه آزاد اسلامی دزفول، مرکز آموزش عالی شیخ مرتضی انصاری، دانشگاه علوم پزشکی دزفول و... اشاره کرد.

کمبودها و ضعف‌ها

کمبود مدیریت بهینه و استقلال در اجرای پروژه‌های منطقه با توجه به وجود ظرفیت‌های مذکور، نبود رسانه‌های محلی از قبیل رادیو و تلویزیون، خطر وقوع سیل که در چندین سال گذشته شاهد آن بوده‌ایم، رفت و آمدهای بسیار زیاد مردم و مسئولین منطقه دزفول به اهواز جهت انجام کارهای اداری، فاصله زیاد تا مرکز استان و...

مطابق نقشه استان خوزستان، دزفول قطب کشاورزی، جمعیتی، فرهنگی و تاریخی به دلیل فاصله زیاد تا اهواز همچنین تفاوت قومیت با مرکز استان، بر اساس مؤلفه‌های اصلی در تقسیمات کشوری، نیاز به بازنگری در تقسیمات کشوری را می‌طلبد.



نقشه شماره ۱- تقسیم‌بندی استان خوزستان در طرح پیشنهادی

وضعیت برخی از شهرها از نظر حوزه نفوذ نسبت به دزفول

براساس آمارگیری سال ۱۳۹۵ از جمعیت شهرهای ایران، سه شهر پرجمعیت هر استان و فاصله هر مرکز استان تا شهرهای پرجمعیت خود در جدول شماره ۲ تهیه گردیده است. با جمع‌آوری آمار شهرهای پرجمعیت هر استان که جمعیت حدود سیصد هزار نفر دارند و مقایسه حوزه نفوذ و نقاط جدایی شهرها از مراکز استان و مقایسه با شهرستان دزفول به نتایج قابل توجهی دست یافتیم. طبق جدول، سه شهر پرجمعیت هر استان و فاصله تا مرکز جهت بررسی حوزه نفوذ و فاصله جدایی محاسبه شده است. در این جدول حوزه نفوذ شهرها نسبت به شهر مرکزی هر استان و فاصله نقطه جدایی آن در ستون بعدی محاسبه شده است. حوزه نفوذ اهواز ۹۴ کیلومتر است، بنابراین فاصله نقطه جدایی ۳۵ کیلومتر است.

جدول ۲- شهرهای پرجمعیت ایران، سه شهر پرجمعیت (نقاط شهری) هر استان و حوزه نفوذ تا شهرها

و نقطه جدایی

استان	جمعیت مرکز	جمعیت شهر ۱	جمعیت شهر ۲	جمعیت شهر ۳	فاصله شهر ۱ از مرکز	فاصله شهر ۲ از مرکز	فاصله شهر ۳ از مرکز	حوزه نفوذ ۱	حوزه نفوذ ۲	حوزه نفوذ ۳	نقطه جدایی ۱	نقطه جدایی ۲	نقطه جدایی ۳
آذربایجان غربی	۸۷۹۷۰۹	خوی	یوکان	میاندوآب	۱۲۸	۱۸۳	۱۴۰	۸۸	۱۲۲	۹۳	۵۰	۶۱	۴۷
			۲۲۴۷۳۱	۲۲۵۳۴۵									۸
اصفهان	۲۱۳۰۹۷۰	خمینی شهر	کاشان	نجف آباد	۱۷	۲۱۵	۲۹	۱۲	۱۵۵	۲۱	۵	۶۰	۸
			۳۱۹۷۲۷	۳۲۴۵۰۱									۲۹۳۲۷۵
تهران	۸۶۹۹۲۸۴	شهریار	گلستان	اسلامشهر	۴۰	۶	۲۵	۳۱	۵	۲۰	۹	۱	۵
خراسان رضوی	۱۳۲۶۷۶۳۷	نیشابور	سبزوار	تربت حیدریه	۱۲۷	۲۴۱	۱۶۵	۹۶	۱۸۷	۱۳۴	۳۱	۵۴	۳۱
خوزستان	۱۲۶۰۸۱۷	دزفول	بندرماهشهر	آبادان	۱۴۷	۱۱۹	۱۴۰	۹۵	۹۴	۹۶	۵۲	۳۵	۴۴
			۳۴۱۱۸۲	۲۶۸۶۴۲									۱۷۹۰۸۴
۴۷۱۰۵۰۹	۳۲۸۰۳۶۸	۳۴۱۱۸۲	۲۶۸۶۴۲	۱۷۹۰۸۴	۴۷۱۰۵۰۹	۱۲۶۰۸۱۷	۳۷۰۴۹۸	۲۱۷۱۸۶	۲۷۰۶۲۲				

آمار جمعیت، برگرفته از سایت اداره آمار ایران، سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ و منبع فاصله شهرها، وزارت راه و شهرسازی، واحد جمعیت نفر و واحد فاصله شهرها، حوزه نفوذ و نقطه جدایی برحسب کیلومتر است.

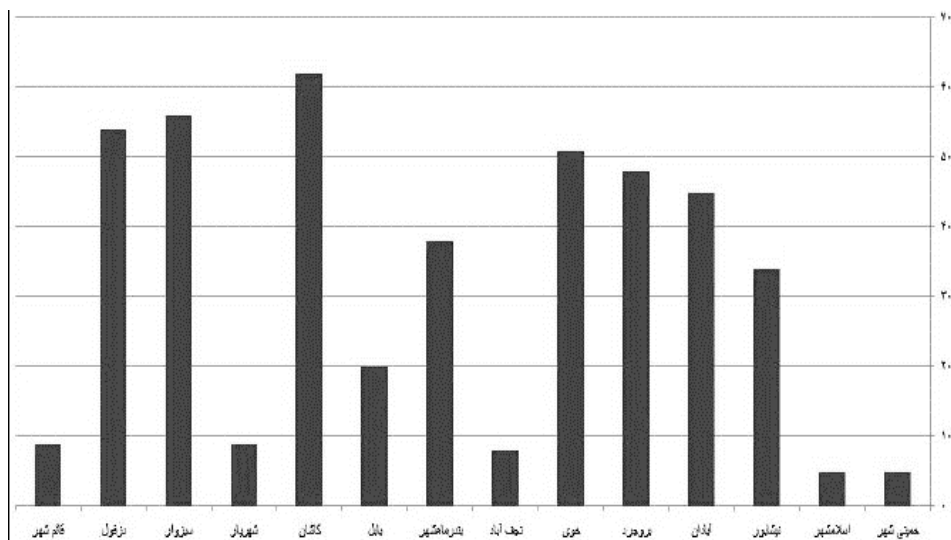
جدول ۳- شهرهای پرجمعیت ایران، سه شهر پرجمعیت هر استان و حوزه نفوذ هر استان تا شهرستانها

و نقطه جدایی

استان	جمعیت مرکز	جمعیت شهر ۱	جمعیت شهر ۲	جمعیت شهر ۳	فاصله شهر ۱ از مرکز	فاصله شهر ۲ از مرکز	فاصله شهر ۳ از مرکز	حوزه نفوذ ۱	حوزه نفوذ ۲	حوزه نفوذ ۳	نقطه جدایی ۱	نقطه جدایی ۲	نقطه جدایی ۳
آذربایجان غربی	۱۰۴۰۵۶۵	خوی	میاندوآب	یوکان	۱۳۸	۱۴۰	۱۸۳	۸۷	۹۳	۱۲۷	۵۱	۴۷	۵۸
			۲۷۳۹۴۹	۲۲۴۷۳۱									
اصفهان	۲۲۴۳۲۴۹	اصفهان	کاشان	خمینی شهر	۲۱۵	۱۷	۲۹	۱۵۳	۱۲	۲۱	۶۲	۵	۸
			۳۱۹۷۲۷	۳۱۹۲۰۵									
تهران	۸۷۳۷۵۱۰	شهریار	بهارستان	اسلامشهر	۴۰	۶	۲۵	۳۱	۵	۲۰	۹	۱	۵
خراسان رضوی	۱۳۲۶۷۶۳۷	نیشابور	سبزوار	تربت جام	۱۲۷	۲۴۱	۱۶۵	۹۳	۱۸۵	۱۲۹	۳۴	۵۶	۳۶
خوزستان	۱۳۰۲۵۹۱	دزفول	بندرماهشهر	آبادان	۱۴۷	۱۱۹	۱۴۰	۹۳	۸۱	۹۵	۵۴	۳۸	۴۵
			۲۶۷۶۷۱	۲۹۸۰۹۰									
۴۷۱۰۵۰۹	۳۲۷۲۶۶۰	۴۵۱۷۸۰	۳۰۶۳۱۰	۲۶۷۶۷۱	۴۷۱۰۵۰۹	۱۳۰۲۵۹۱	۴۴۴۹۷۱	۲۹۶۲۷۱	۲۹۸۰۹۰				

آمار جمعیت، برگرفته از سایت اداره آمار ایران، سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ و منبع فاصله شهرها، وزارت راه و شهرسازی، واحد جمعیت نفر و واحد فاصله شهرها، حوزه نفوذ و نقطه جدایی برحسب کیلومتر است.

اسلامشهر از تهران ۴۰ کیلومتر فاصله دارد که فاصله زیادی نیست. دزفول در فاصله ۱۴۷ کیلومتری اهواز قرار دارد که به نسبت فاصله تا مرکز و خوزستان تا دزفول حوزه نفوذ ۹۵ کیلومتری دارد. در مجموع مقایسه فاصله بر اساس جمعیت نشان می‌دهد که دزفول بر اساس ظرفیت جمعیتی و دوری از مرکز استان، شرایط مناسبی را برای ادعای جدا شدن می‌تواند داشته باشد.



نمودار ۱- مقایسه نقطه جدایی شهرستان‌ها نسبت به مراکز استان، بر اساس آمار جمعیت سال ۱۳۹۵

نمودار بالا نشان‌دهنده فاصله نقطه جدایی شهرهای جمعیت بالای دویست هزار نفر است. نقطه جدایی دزفول نسبت به سایر شهرهای پرجمعیت زیاد است. در مجموع مقایسه فاصله بر اساس جمعیت نشان می‌دهد که دزفول بر اساس ظرفیت جمعیتی و دوری از مرکز استان، شرایط مناسبی برای ادعای جدا شدن می‌تواند داشته باشد. همچنین قابل ذکر است که مرکز دزفول تا مرکز اندیمشک و شوش در کمتر از ۱۰ کیلومتری قرار دارد و از نظر هم‌جواری به دزفول قابلیت اتصال پروژه‌های عمرانی را دارد و از نظر تقسیمات

سیاسی، جدا شده است، جمعیتی بالغ بر هشتاد هزار نفر دارد که اگر بخواهیم بر اساس جمعیت، مجموع محاسبات دوری از مرکز استان را در نظر بگیریم، هسته جمعیتی بیش از چهارصد هزار نفر جمعیت خواهد داشت و اولویت بالاتر بر اساس توده جمعیتی در منطقه نسبت به سایر مناطق کشور، جهت تأسیس استان دزفول را خواهد داشت.

پس از مسائل مذکور، دیگر مسئله‌ای که مطرح می‌باشد، مسئله تحلیل گروه‌های جمعیتی است که در این زمینه گروه‌های جمعیتی و قومی مناطق پیرامونی و حاشیه‌ای ایران از حیث تجانس با بخش مرکزی ایران، وضعیت‌های متفاوتی دارند و رفتار سیاسی آن‌ها نیز تا اندازه‌ای تابع نسبت تجانس آن‌ها با بخش مرکزی و میزان مداخله نیروهای تحریک‌کننده خارجی بوده است. اقلیت‌هایی که در هر سه متغیر قومیت، زبان و مذهب فاقد تجانس لازم با بخش مرکزی استان هستند، بیشترین درجه تفاوت را دارند. ولی تجلی رفتار آن‌ها نسبت به بخش مرکزی بسته به اقتدار دولت مرکزی، میزان احساس مشارکت در امور جاری کشور، انسجام درونی و شرایط و مقتضیات منطقه‌ای است. درک احساسات قومی، هویت‌بخشی و تشخیص بخشی اقوام و احترام به حقوق اقلیت‌ها در قانون اساسی کشور، تغییر نگرش بخش مرکزی نسبت به پیرامون، فرصت‌سازی و تعبیه سازوکارهای مشارکت ملی برای آن‌ها، اجتناب از وحدت مکانیکی اقوام و تمرکز بر وحدت راهبردی، پرهیز از راهبرد امنیتی نسبت به اقوام و قرار دادن راهبرد مذاکره و گفت‌وگو با اقوام به جای آن با هدف تأمین امنیت ملی کشور، آزادسازی نیروی بالقوه ناحیه‌گرایی از طریق توزیع قدرت سیاسی-اداری ملی در تمامی مناطق جغرافیایی کشور در چهارچوب الگویی متعادل و متوازن و بالاخره برقراری عدالت جغرافیایی و توزیع عادلانه نتایج توسعه ملی در بین بخش مرکزی و مناطق پیرامونی تا اندازه بسیاری می‌تواند به ایجاد تفاهم ملی، یکپارچگی، اطمینان اجزای ملت نسبت به یکدیگر و گسترش روحیه صمیمیت ملی کمک کند و پایه‌های اقتدار و امنیت ملی کشور را محکم سازد؛ اما در عین حال واحدهای حاشیه‌ای در عین تمایل به نوعی آزادی نسبی و اختیارات خودگردانی محلی، به‌ویژه در حوزه فرهنگی، به حضور در ترکیب ملت و دولت ملی ایران علاقه‌مند هستند و خود را جزئی از ایران و ملت ایران می‌دانند. حتی آن دسته از واحدهای پیرامونی که امروزه قسمتی از آن‌ها بر اثر

تجزیه سرزمین ایران در خارج از مرزها قرار دارند، در نتیجه میل طبیعی و اراده خودجوش خود، از ایران جدا نشده‌اند، بلکه سیاست‌های بین‌المللی و رقابت‌های سیاسی روسیه و انگلستان این مناطق را از پیکره ایران جدا کرده است.

در زمینه تبیین لزوم بازنگری در تقسیمات سیاسی در راستای پیشگیری از بحران‌های مدیریت انتظامی با تأکید بر قابلیت‌های ژئوپلیتیکی (مطالعه موردی: استان خوزستان)، تاکنون هیچ‌گونه رساله، پایان‌نامه و مقاله‌ای در سطح ملی و جهانی صورت نگرفته است ولی در زمینه بحران‌های مدیریت انتظامی و تقسیمات کشوری، پیشینه‌های مختلفی صورت گرفته است که عبارت‌اند از:

- احمدی پور (۱۳۹۷) تقسیمات کشوری و امنیت داخلی جمهوری اسلامی ایران، به این نتیجه رسید که تغییر مرزها اغلب موجب پیدایش کانون‌های بحران می‌شود و اینک حدود ۵۰ نقطه بحرانی در سطح کشور وجود دارد. حل این معضل زمانی ناممکن می‌شود که منطقه مورد نظر از ارزش اقتصادی بالایی برای استان‌های مجاور برخوردار باشد که موجب بروز اختلافات بر سر تصاحب آن می‌گردد.

- حسینی و پورمنافی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی بحران‌های مرتبط با تقسیم استان خراسان و راهکارهای پیشگیری و مقابله با رخداد‌های مشابه»، مطالعه موردی بحران سال ۱۳۸۰ سبزوار، به این نتیجه رسیدند که با توجه به اینکه به‌رغم تقسیم استان خراسان در سال ۸۳ به سه استان رضوی، شمالی، جنوبی، نارضایتی‌های منطقه‌ای کماکان پیرامون موضوع باقی بوده و از آن به‌عنوان تهدیدات داخلی یاد می‌شود. احتمال وقوع ناآرامی‌های مشابه در دیگر مناطق از جمله نیشابور و تربت حیدریه، دور از ذهن نبوده ضمن اینکه به‌رغم ارتقای بخش‌هایی از شهرستان سبزوار به شهرستان، شهروندان سبزواری کماکان مدعی تشکیل استان خراسان غربی به مرکزیت سبزوار هستند.

- احمدی‌پور و همکاران (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «نقش نظام تقسیمات کشوری در توسعه ملی مورد: ایران» که در این پژوهش سابقه تقسیمات کشوری ایران و

مبانی و معیارهایی که این نظام تقسیماتی بر آن بنا شده و نیز پیامدهایی آن مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. در نهایت با پیشنهاد دو روش برای اصلاح نظام تقسیمات کشوری ایران: ۱. درجه بندی سطوح تقسیمات کشوری در سطح بخش و شهرستان، ۲. به کارگیری روش قیاسی برای تقسیم کشور به چند کلان منطقه، سعی کرده راه حل برون رفت از این فرآیند را بیابد.

روش‌شناسی تحقیق

تحقیق حاضر از لحاظ روش، از نوع روش‌های توصیفی-تحلیلی است و از لحاظ هدف، کاربردی و از نوع تحقیق‌های پیمایشی است که در جهت بررسی دیدگاه‌های صاحب نظران و کارشناسان از روش دلفی در نرم افزار سوات استفاده شده است. تحقیقات کاربردی؛ یعنی پژوهشی است که با استفاده از نتایج تحقیقات بنیادی به منظور بهبود و به کمال رساندن رفتارها، روش‌ها، ابزارها، وسایل، تولیدات، ساختارها و الگوهای مورد استفاده جوامع انسانی انجام می‌شود. هدف تحقیق کاربردی توسعه دانش کاربردی در یک زمینه خاص است. در تحقیق‌های پیمایشی، هدف بررسی توزیع ویژگی‌های یک جامعه یا ارزیابی ظرفیت‌های یک منطقه جغرافیایی است و بیشتر تحقیق‌های مدیریت از این نوع می‌باشد. در پژوهش پیمایشی، پارامترهای جامعه بررسی می‌شوند. در اینجا پژوهشگر با انتخاب نمونه‌ای که معرف جامعه است به بررسی متغیرهای پژوهش می‌پردازد. پژوهش پیمایشی به سه دسته تحقیقات طولی، مقطعی و دلفی تقسیم بندی می‌شود که در پژوهش حاضر جهت بررسی دیدگاه‌های یک جمع صاحب نظر در مورد نقاط قوت و ضعف و فرصت‌ها و تهدیدهای تبیین تأثیرات عدالت فضایی در پیشگیری از بحران‌های مدیریت انتظامی با تأکید بر قابلیت‌های ژئوپلیتیکی (مطالعه موردی: استان خوزستان) می‌باشد که از تکنیک دلفی استفاده گردید. جامعه آماری این پژوهش را کلیه صاحب نظران، کارشناسان و اساتید دانشگاه حوزه‌های علوم سیاسی، جغرافیای سیاسی و مدیریت راهبردی تشکیل می‌دهند که حجم نمونه آن تعداد ۳۰ نفر تخمین زده شد.

یافته‌ها و تجزیه و تحلیل داده‌ها

الف. یافته‌های تحقیق

استان خوزستان با وسعت ۶۳۶۳۳ کیلومتر مربع بین ۲۹ درجه و ۵۷ دقیقه تا ۳۳ درجه عرض شمالی از خط استوا و ۴۷ درجه و ۴۰ دقیقه تا ۵۰ درجه و ۳۳ دقیقه طول شرقی از نصف‌النهار گرینویچ در جنوب غربی کشور واقع است. استان خوزستان از شمال با استان لرستان، از شمال غربی با استان ایلام، از مشرق با استان‌های چهارمحال و بختیاری و کهگیلویه و بویر احمد، از جنوب شرقی با استان بوشهر، از مغرب با کشور عراق و از جنوب با خلیج فارس، هم‌مرز می‌باشد. براساس آخرین تقسیمات کشوری در سال ۱۳۸۸، این استان از ۲۳ شهرستان، ۵۱ بخش، ۵۴ شهر، ۱۲۹ دهستان و ۶۳۱۵ آبادی تشکیل شده است که از این تعداد، ۴۴۲۱ آبادی دارای سکنه و ۱۸۹۲ آبادی خالی از سکنه می‌باشند (مرکز مطالعات استانداری استان خوزستان، ۱۳۹۸). استان خوزستان تیره‌های گوناگون انسانی را در برمی‌گیرد و از لحاظ خرده‌فرهنگ‌ها متکثرترین استان ایران است، اما به‌منظور ارائه بهتر طبقه‌بندی، اقوام خوزستان را به چهار دسته می‌توان تقسیم کرد. بومیان خوزستان که مردم خوزی‌زبان بهبهان، شوشتر، دزفول، هندیجان، رامهرمز، رامشیر (رام اردشیر)، زیدون، سریندر، شادگان از بازماندگان مردم شهرنشین باستان خوزستان هستند. طوایف عرب خوزستان همگی از دسته کوچ‌نشین، غیر ثابت و با اصل و نسب مشخص در شبه‌جزیره عربستان بودند که امروزه عمده تمرکز جمعیتی عرب‌های خوزستان، شادگان، سوسنگرد، هویزه، خرمشهر، آبادان و روستاهای جنوب غربی خوزستان، شهرهای امیدیه، بندر ماهشهر و اهواز سکنی یافته‌اند. در کنار آن بختیاری‌ها در شهرهای ایذه، مسجدسلیمان، هفتکل، باغملک، اندیکا، لالی، سالند (سردشت دزفول)، صفی‌آباد، اهواز، قلعه خواجه، دهدز، رامهرمز و شهرهای جنوبی استان و... به‌صورت متمرکز و در سایر شهرهای خوزستان نیز جمعیت قابل توجهی از ایشان را دارند. برخلاف نام استان چهارمحال و بختیاری، مرکزیت جمعیتی اینان خوزستان است. لرها در منطقه شمال غرب خوزستان، از شوش تا الوار در شمال اندیمشک امروزی بوده‌اند و امروزه نیز تمرکز شهری جمعیتی ایشان نیز در اندیمشک، شوش، حسینیه و الوار است.



شکل ۳- تقسیمات قومیتی استان خوزستان

در سازمان‌دهی سیاسی فضایی ایران به دلیل ناهمگن بودن حوزه‌های تقسیماتی و به دنبال آن عدم انطباق با الزامات منطقه‌ای و همچنین نظام حکومتی متمرکز که موجب تمرکز جمعیت و فعالیت‌ها در مرکز و عدم تعادل در ابعاد مختلف در سطح سرزمین شده است، باعث عدم کارایی تقسیمات فعلی در تهیه و اجرای برنامه‌های آمایش شده است. نمونه این قبیل مسائل در عدم کارایی تقسیمات استانی (سازمان‌دهی سیاسی فضا) را در استان خوزستان برای شهرستان دزفول می‌توان مشاهده کرد. در گذشته دزفول از ویژگی‌های بالایی برخوردار بود. با بررسی وضعیت شهرستان دزفول در دهه‌های اخیر و با توجه به یافته‌های تحقیق، این نتیجه حاصل شد که تجمع قومیتی دزفول در کنار این امر که جمعیت دزفول و نیز نقطه جدایی دزفول نسبت به شهرهای پرجمعیت زیاد است، می‌تواند در تصمیم‌گیری تقسیم فضای سرزمینی مؤثر باشد. وجود ظرفیت‌ها و استعدادهای بالقوه در این منطقه می‌تواند در شکوفایی فضای سرزمینی آن مؤثر واقع شود. همچنین وجود شهرهای اطراف دزفول شامل، اندیمشک، شوش، گتوند، لاری، شوشتر، اندیکا،

مسجد سلیمان و ایذه در ظرفیت استان شدن دزفول نقش مؤثری دارند. چراکه اندیمشک، شوش، لاری، گتوند و شوشتر حوزه نفوذ دزفول هستند و رفت و آمدها به سمت دزفول است؛ به علاوه، پیشینه تاریخی و فرهنگی مشابهی با دزفول دارند. از طرفی تجربه استان شدن شهرهای قم، قزوین، اردبیل نشان می‌دهد که با استان شدن، در ظرف کمتر از پنج الی ده سال، جمعیت آن به بالاتر از یک میلیون نفر خواهد رسید. این موضوع از دو لحاظ مفید است، یکی اینکه از روانه شدن جمعیت اطراف دزفول به سمت اهواز جلوگیری خواهد نمود و منطقه فرهنگی دزفول را تقویت می‌کند، همچنین از افزایش جمعیت اهواز جلوگیری خواهد نمود. معضل افزایش جمعیت اهواز و آبادان، مشکل بزرگی است که با تقویت و بسترسازی شهرهای اطراف می‌تواند حتی به کاهش توده جمعیت کلان‌شهر اهواز کمک نماید. همچنین تعامل مستقیم دزفول با استان‌های هم‌جوار و با قومیت مشترک می‌تواند در شکوفایی ظرفیت‌ها و استعدادهای محلی و منطقه‌ای و برطرف نمودن ضعف‌های منطقه مؤثر واقع شود. قابل ذکر است از مرکز دزفول تا مرکز اندیمشک و شوش، کمتر از ۱۰ کیلومتر است که از نظر هم‌جواری به دزفول امکان اتصال پروژه‌های عمرانی را دارد ولی از نظر تقسیمات سیاسی، جدا شده است؛ جمعیتی بالغ بر هشتاد هزار نفر دارد که اگر بخواهیم بر اساس جمعیت، مجموع محاسبات دوری از مرکز استان را در نظر بگیریم، هسته جمعیتی بیش از چهارصد هزار نفر خواهد داشت و اولویت بالایی را بر اساس توده جمعیتی در منطقه و جهت تأسیس استان دزفول خواهد داشت. در مجموع مقایسه فاصله بر اساس جمعیت نشان می‌دهد که دزفول بر اساس اشتراکات قومیتی و ظرفیت جمعیتی و دوری از مرکز استان، شرایط مناسبی برای استان شدن دارد و علت اصلی آن هزینه‌بر بودن رفت و آمدها جهت حل مسائل اداری و مردمی به مرکز استان اهواز است.



نقشه ۲- نقشه پیشنهادی تقسیمات سیاسی استان خوزستان شمالی

این استان شامل شهرهای دزفول، اندیمشک، شوش، شوشتر، گتوند، لاری، اندیکا، مسجد سلیمان و ایذه می‌باشد که حوزه نفوذ دزفول هستند.

ب. تجزیه و تحلیل یافته‌ها

در راستای تقسیمات کشوری با تأکید بر قابلیت‌های ژئوپلیتیکی تا چه اندازه در پیشگیری از بحران‌های مدیریت نظامی استان خوزستان بر اساس الگوی سوات به صورت جدول EFE و IFE عمل می‌نماییم.

با توجه به جدول شماره ۴، اگر خروجی بیشتر از $\frac{2}{5}$ باشد، نشانه قوت است و اگر $\frac{2}{5}$ کمتر باشد، نشانه ضعف است. پس با توجه به نتایج به دست آمده نشانه قوت و قدرت راهبرد S مشاهده می‌شود.

جدول ۴. ماتریس ارزیابی کمی عوامل داخلی (IFE) تأثیر عدالت فضایی در پیشگیری از بحران‌های

مدیریت انتظامی

امتیاز وزن‌دار	امتیاز وضع موجود	نرمالیزه کردن	وزن	قوت‌ها S
0.33	4.32	0.08	4	S1 بهبود وضعیت کنترل استان
0.26	4.54	0.06	3	S2 بهبود وضعیت مدیریتی استان
0.31	4.02	0.08	4	S3 بهبود عملکرد دستگاه‌ها و سازمان‌های خدمات‌رسانی در سطح استان
0.27	2.76	0.10	5	S4 افزایش نظم اجتماعی در سطح استان
0.25	3.2	0.08	4	S5 کاهش محرومیت‌های استان
0.28	3.66	0.08	4	S6 ارتقای سطح توسعه استان
0.31	3.19	0.10	5	S7 توسعه و آبادانی روستاهای محروم
0.16	2.02	0.08	4	S8 افزایش توجه دولت به شهرستان‌ها
0.34	4.36	0.08	4	S9 کاهش گستردگی تشکیلات اداری استان
ضعف‌ها W				
0.12	3.16	0.04	2	W1 ایجاد رقابت بین گروه‌های قومی استان
0.14	3.54	0.04	2	W2 افزایش تحرکات تجزیه‌طلبانه در خوزستان جنوبی
0.18	4.56	0.04	2	W3 افزایش ناامنی در خوزستان جنوبی
0.04	1.12	0.04	2	W4 کاهش بودجه‌های اقتصادی استان
0.10	2.64	0.04	2	W5 افزایش مهاجرت‌های طایفه‌ای میان دو استان خوزستان شمالی و جنوبی
0.08	4.15	0.02	1	W6 ناهمگنی جغرافیای فرهنگی استان
0.06	3.26	0.02	1	W7 افزایش رخنه عوامل غیررسمی
0.08	4.33	0.02	1	W8 شکل‌گیری رقابت‌های منفی محلی و ناحیه‌ای
0.05	1.33	0.04	2	W9 افزایش تنش‌ها و بحران‌های قومی
۳,۳۴۸		۱	۵۲	جمع

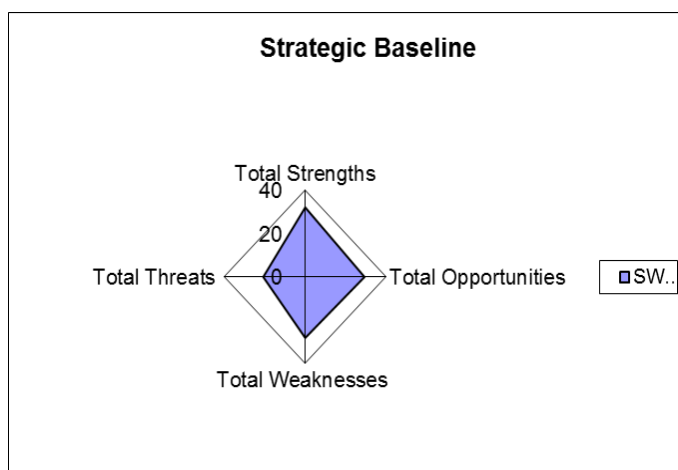
جدول ۵. ماتریس ارزیابی کمی عوامل خارجی (EFE) تأثیر عدالت فضایی در پیشگیری از

بحران‌های انتظامی

امتیاز وزن‌دار	امتیاز وضع موجود	نرمالیزه کردن	وزن	فرصت‌ها O
0.18	2.33	0.08	0.18	01 بهبود مراودات اقتصادی استان با سایر استان‌های کشور
0.21	3.64	0.06	0.21	02 امکان افزایش مراودات اقتصادی استان با کشور عراق
0.33	4.16	0.08	0.33	03 بهبود مدیریت مهاجرت‌ها از استان‌های اطراف به استان خوزستان
0.42	4.32	0.10	0.42	04 فراهم آمدن شرایط بهتر به‌منظور سازمان‌دهی سیاسی فضا در سطح غرب کشور
0.17	2.14	0.08	0.17	05 کاهش تمرکززدایی سیاسی
0.09	1.16	0.08	0.09	06 بهبود دسترسی‌ها به استان‌ها
0.34	4.33	0.08	0.34	07 محرومیت‌زدایی منطقه‌ای
0.31	3.15	0.10	0.31	08 بهبود تشکیلات اداری استان
0.32	4.02	0.08	0.32	09 بهبود زیرساخت‌های توسعه
تهدیدها T				
0.12	3.16	0.04	0.12	T1 افزایش حرکت‌های قومی به‌منظور تقسیمات سیاسی به‌منظور تفکیک‌های استانی
0.05	1.21	0.04	0.05	T2 دسترسی بهتر کشورهای بیگانه به‌منظور افزایش اختلافات میان گروه‌های قومی در استان خوزستان
0.07	1.66	0.04	0.07	T3 افزایش مهاجرت‌های قومی - قبیله‌ای بین استانی
0.06	3.16	0.02	0.06	T4 تهدیدات ژئوکالچر میان استان‌ها
0.06	1.49	0.04	0.06	T5 شکل‌گیری بی‌عدالتی میان استان‌ها
0.05	2.54	0.02	0.05	T6 امکان کاهش مشارکت‌های مردمی
0.03	1.32	0.02	0.03	T7 کاهش اهمیت قوانین تقسیمات کشوری در افکار عمومی
0.08	4.16	0.02	0.08	T8 ایجاد اشکال در اجرای هماهنگ برنامه‌های توسعه مناطق
0.08	2.03	0.04	0.08	T9 افزایش تنش‌های منطقه‌ای
۲,۹۶۲		۱	۵۱	جمع

با توجه به جدول بالا اگر خروجی بیشتر از ۲/۵ باشد، نشانه فرصت است و اگر خروجی ۲/۵ کمتر باشد، نشانه تهدید است. پس با توجه به نتایج به‌دست‌آمده، نشانه فرصت مشاهده می‌شود.

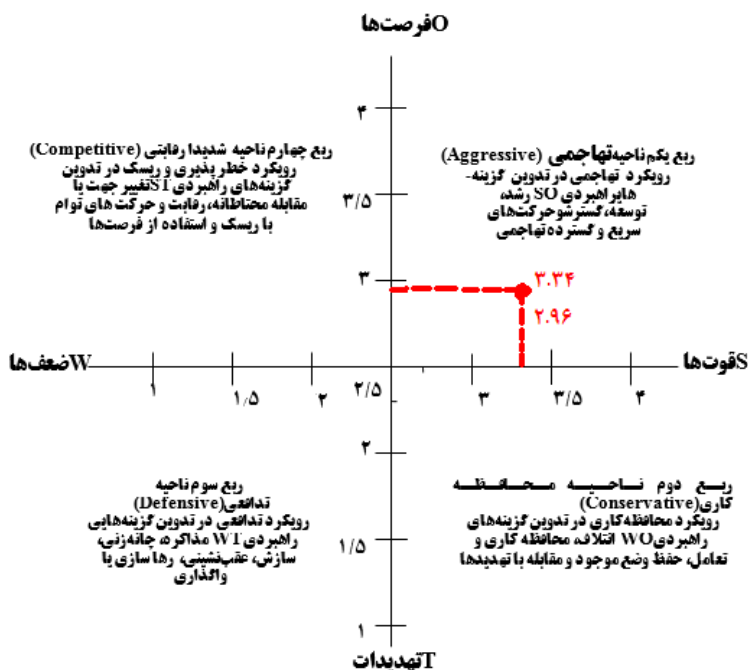
نتایج جداول مذکور نشان می‌دهد که راهبرد به‌دست‌آمده از فرصت‌ها، تهدیدها، ضعف‌ها و قوت‌های بازنگری در تقسیمات سیاسی در راستای پیشگیری از بحران‌های مدیریت انتظامی با تأکید بر قابلیت‌های ژئوپلیتیکی (مطالعه موردی: استان خوزستان)، راهبرد SO می‌باشد.



نمودار ۲. راهبرد سوات به تفکیک امتیاز وضع موجود

همواره راهبردهای SO بیانگر راهبردهایی هستند که در پی استفاده از فرصت‌ها هستند و به‌خوبی با توانایی‌های سازمان هماهنگی دارند. در اجرای راهبردهای SO می‌توان با استفاده از نقاط قوت داخلی، از فرصت‌های خارجی، حداکثر بهره‌برداری را نمود. هر سازمان یا منطقه‌ای علاقه‌مند است که همیشه در این موقعیت قرار داشته باشد تا بتواند با بهره‌گیری از نقاط قوت داخلی از فرصت‌ها و رویدادهای خارجی حداکثر استفاده را بنماید. در این راستا نتایج جداول SWOT نیز که به راهبرد SO منجر گردید، حاکی از آن است که راهبرد لزوم بازنگری در تقسیمات سیاسی استان خوزستان و تفکیک آن به دو استان خوزستان شمالی و خوزستان جنوبی از راهبرد قابل توجهی برخوردار است و نشان

می دهد که تقسیم سیاسی استان خوزستان می تواند فرصت های بسیار زیادی را در سطح محلی، ملی و منطقه ای فراهم آورد.



نمودار ۳. ارزیابی لزوم بازنگری در تقسیمات کشوری استان خوزستان بر اساس راهبرد سوات

همچنین راهبرد به دست آمده در نمودار سوات، راهبرد تهاجمی خفیف را نمایش

می دهد.

نتیجه گیری و پیشنهاد

همواره حکومت ها در راستای اداره بهتر قلمروی سرزمینی خود ناگزیرند که کشور را به واحدهای کوچک تری تقسیم بندی کنند تا بتوانند در زمینه اعمال حاکمیت و ارائه خدمات و ایجاد سرمایه اجتماعی مؤثر به ایفای نقش بپردازند. در واقع تمامی حکومت ها در جهت انجام برنامه ریزی های اقتصادی-اجتماعی-فرهنگی و سیاسی به مسئله تقسیمات سیاسی توجه می کنند، زیرا اگر تقسیماتی درست شکل نگیرد، هرگونه

برنامه‌ریزی منطقه‌ای و محلی ناموفق بوده و نارسایی‌ها و مشکلات متعدد را در کلیه سطوح به وجود خواهد آورد. همواره کارکرد تقسیمات سیاسی، تأمین خدمات و امکانات برای مناطق نیازمند و تسهیل حاکمیت دولت تا پایین‌ترین بخش نظام سلسله‌مراتبی را در بردارد و در واقع نظام تقسیمات کشوری می‌بایست طوری عمل کند که علاوه بر تقسیم‌بندی عادلانه فضا، کمترین تنش‌ها و بیشترین کارایی‌ها را در میان مناطق و بین مناطق هم‌جوار به وجود آورد. استان خوزستان در طی دهه‌های اخیر یکی از پرچالش‌ترین و آسیب‌پذیرترین استان‌های کشور بوده است که در سال‌های اخیر با توجه به مسائل محیط زیستی نظیر ریزگردها و طوفان‌های گردوغبار، زلزله، سیل و سایر جنبه‌های مشکلات محیط زیستی، با سایر مسائلی نظیر چالش‌های امنیتی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مواجه بوده است. در این راستا پژوهشگر در تحقیق حاضر به تبیین لزوم بازنگری در تقسیمات سیاسی در راستای پیشگیری از بحران‌های مدیریت انتظامی با تأکید بر قابلیت‌های ژئوپلیتیکی (مطالعه موردی: استان خوزستان) پرداخته است. در راستای ایجاد عدالت فضایی در استان خوزستان، ارائه طرح تقسیم‌بندی استان خوزستان به دو استان خوزستان شمالی و خوزستان جنوبی مدنظر پژوهشگر قرار گرفته است. در این زمینه استان خوزستان شمالی به مرکزیت شهر دزفول و خوزستان جنوبی می‌بایست به مرکزیت شهر اهواز قرار گیرد. در این زمینه و به‌منظور شناسایی نقاط قوت، ضعف و فرصت‌ها و تهدیدهای تقسیمات سیاسی در استان خوزستان، از الگوی تحلیل راهبردی سوات استفاده شده است. در این میان با توجه به این مسئله که هدف تحقیق حاضر تبیین موقعیت و در واقع تعیین جایگاه تقسیمات سیاسی در حل بحران‌های مدیریت انتظامی بوده است و تحلیل‌های آماری به‌تنهایی جوابگوی مسئله حاضر نبوده است، از تحلیل سوات استفاده گردید. در این زمینه مهم‌ترین نقاط قوت تقسیمات سیاسی عواملی نظیر بهبود وضعیت کنترل استان، بهبود وضعیت مدیریتی استان و کاهش گستردگی تشکیلات اداری استان تعیین گردید و ازجمله فرصت‌ها در این زمینه نیز می‌توان به مهم‌ترین آن‌ها؛ یعنی محرومیت‌زدایی در سطح منطقه‌ای، فراهم آمدن شرایط بهتر به‌منظور سازمان‌دهی سیاسی فضا در سطح غرب کشور و بهبود زیرساخت‌های توسعه در این زمینه اشاره کرد؛ اما تقسیمات کشوری، ضعف‌ها و

تهدیدهایی را نیز در پی خواهد داشت که از جمله مهم‌ترین ضعف‌های آن می‌توان به عواملی نظیر کاهش بودجه‌های اقتصادی استان، افزایش تنش‌ها و بحران‌های قومی و افزایش مهاجرت‌های طایفه‌ای داخلی استان اشاره کرد و در زمینه تهدیدها نیز عواملی نظیر افزایش نفوذ کشورهای بیگانه در راستای افزایش اختلافات قومی، افزایش مهاجرت‌های قومی - قبیله‌ای میان استانی و کاهش اهمیت قوانین تقسیمات کشوری در افکار عمومی از مهم‌ترین عوامل تهدیدزای تقسیمات کشوری در استان خوزستان است. در نهایت نتایج نشان داد که راهبرد به‌دست‌آمده SO، حاکی از آن است که راهبرد لزوم بازنگری در تقسیمات سیاسی استان خوزستان و تفکیک آن به دو استان خوزستان شمالی و خوزستان جنوبی، می‌تواند در کاهش مشکلات استان خوزستان مثر ثمر واقع گردد و تقسیمات استان می‌تواند فرصت‌های بسیار زیادی را در سطح محلی، ملی و منطقه‌ای برای این استان و منطقه غرب کشور فراهم آورد.

فهرست منابع و مآخذ

الف. فارسی

- احمدی‌پور، زهرا (۱۳۹۷)، تقسیمات کشوری و امنیت داخلی جمهوری اسلامی ایران، تهران، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، دوره ۳، شماره ۷ و ۸، صفحه ۲۸۲-۲۷۹.
- احمدی‌پور، زهرا؛ رومینا، ابراهیم و رهنما، محمدرحیم (۱۳۹۰)، نقش نظام تقسیمات کشوری در توسعه ملی مورد: ایران، تهران، فصلنامه برنامه‌ریزی و آمایش فضا، دوره ۱۵، شماره ۲، صفحات ۱۷-۳۹.
- آشوری، داریوش (۱۳۹۷)، دانشنامه سیاسی (فرهنگ و اصطلاحات و مکتب‌های سیاسی)، تهران، انتشارات مروارید.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۶)، جامعه‌شناسی سیاسی، تهران، نشر نی.
- حافظ نیاز، محمدرضا (۱۳۸۱)، جغرافیای سیاسی ایران، تهران، انتشارات سمت.
- حسینی، سید حسین؛ پورمنافی، ابوالفضل (۱۳۹۳)، بررسی بحران‌های مرتبط با تقسیم استان خراسان و راهکارهای پیشگیری و مداخله با رخدادهای مشابه، مطالعه موردی: بحران سال ۱۳۸۰، سبزواری، فصل‌نامه دانش انتظامی خراسان رضوی، دوره ۶، شماره ۲۴، صفحه ۹۰-۳۷.
- کلهر، رضا (۱۳۸۸)، درآمدی بر امنیت انتظامی، تهران، سازمان تحقیقات و مطالعات ناجا، پژوهشکده امنیتی انتظامی.
- محمدی، حمیدرضا (۱۳۷۷)، نقش نواحی بحرانی در جهت‌گیری استراتژی ملی، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.
- معین، محمد (۱۳۶۳)، فرهنگ فارسی، جلد اول، چاپ ششم، تهران، انتشارات سپهر.
- نجفی ابرنآبادی، علی حسین (۱۳۷۸)، پیشگیری از بزهکاری و پلیس محلی، تهران، فصلنامه تحقیقات حقوقی، شماره ۲۵ و ۲۶، صفحه ۱۴۹-۱۲۹.

ب. انگلیسی

- Addel Azar, (2011), *The President's Office Deputy of Strategic Planning and Control Statistical Center of Iran*, National Population and Housing Census 2011 (1390): Selected Findings.
- Addel Azar, (2011) *The President's Office Deputy of Strategic Planning and Control Statistical Center of Iran*, National Population and Housing Census 2011 (1390): Selected Findings.
- AhmadiPour, Zahra. and Mansourian, Alireza (2004): Political Divisions and Political Stability in Iran (1357-1285): *Geopolitical Quarterly*, Second Year, No. 1. (In Persian). P.P:89-102

- Ahmadipur, Zahra. And Ghaderi Hagat, Mostafa (2015): **Organizing and Politicizing Urban Space**, First Edition, Tehran, Samt Publication, Center for Human Sciences Research and Development (In Persian)
- Ahmadipur, Zahra. And Ghanbari, Ghasem. And Ameli, Fatemeh (2009): Analysis of the Factors Affecting the Promotion of the Levels of National Divisions (Case Study: Fars Province), **Geopolitical Quarterly**, Year 5, No. 1, Spring and Summe (In Persian). P.P:399-426
- Alan B. Bernstein and Cindy Rakowitz (2012). **Emergency Public Relations: Crisis Management In a 3.0 World**.
- Basirat, Mysam (2011): **Land Reclamation**, First Edition, Publications of the Organization of Municipalities and Indigenous Peoples (In Persian)
- Blacksell, M, (2006), **Political Geography**, New York: Rutledge.
- Carter (1988): **Leveling and Determining the Sphere of Influence of Cities**, Translated:
- Dikshit, Rammesh Dutta, (1995), **Political Geography**, Second Edition, New Delhi, Tata Mc Grow-Hill Publishing Co.
- Dubaran, Esmail (2008): The Role of Population in Urban Planning in Zanjan, **Population Quarterly**, No. 66 and 65. (In Persian)
- Hafezienia, Mohamadreza (2002): **Political Geography of Iran**, First Edition, Tehran, Publications (In Persian)
- Hafezienia, Mohamadreza, and Ahmadipour, Zahra (2010): **Politics and Space**, First Edition, Tehran, Papeli Publications (In Persian)
- Hatami-Nezhad, Hosyn (1996): Geography of the Interaction of Urban Spheres, **Geographical Quarterly**, 11 th year, 3rd, Ashura Research Institute, pp. 92-101. (In Persian)
- Karimipour, Yadola (2002): **Introduction to Iranian Country Divisions**, Vol. 1, Tehran: Iranian Geographic Society Publication (In Persian)
- Mahmoudi, Mohamad (2009): An analysis of the Macroeconomic Developments of the Land of France over the past Half Century and Presenting Suggestions for improving the Status of the land of Iran, **Land Registry Quarterly**, No. 1. (In Persian). P.P:141-180
- Mirmohamadi, Mohamad (2007): **Land Management and Economic Security Considerations**, First Edition, Tehran, Research Institute of Economics (In Persian)
- Muir, R. (2000): **New Revenue on Political Geography: A Translation by Rahikard with Hakari Yahya Safavi**, Tehran, Iran Geographic Society Publication. (In Persian)
- Papeli Yazdi, Mohamadhosyn (2004): Social Justice and Development, Application of Philosophy and Ideology in Territorial Planning, Mashhad, **Geographical Quarterly**, No. 74. (In Persian). P.P: 51-77
- Saghafi, Mojtaba, (1994), The Main Population in the Development Planning, **Agricultural Economics Journal and Special Issue of Population and Human Resources**, No. 6. (In Persian). P.P: 84-92
- Saraee, Mohamadhosyn., Esmailpour, Mohamad (2012): Evaluation of Interaction of Urban Influence Areas in the Urban Network of East Azerbaijan Province (Using Gravity Model and Flow Analysis Method), **Geographic Quarterly Journal**, Year 27, Issue Second, summer 2012, issue number 105. (In Persian). P.P:57-76
- Sorur, Rahim ,(2005), **Applied Geography and Land Reconstruction**, First Printing, Tehran, Publications (In Persian)

